

خاصیت جلبک‌های خلیج فارس؛ ابزاری طبیعی علیه سرطان



در دل خلیج فارس، جلبک‌هایی زندگی می‌کنند که سال‌هاست در برابر شرایط سخت زیستنی مقاومت کرده‌اند. حالا پژوهشی تازه، پرده از ظرفیت‌های درمانی این گیاهان دریاپی برای حفظ سلامتی انسان برداشته است.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، اکسیژن برای ادامه حیات ضروری است؛ اما این عنصر حیاتی، چهره‌ای دوگانه دارد. از یک‌سو سوخت اصلی سلول‌ها برای تولید انرژی است، و از سوی دیگر، محصولات جانبی آن مانند رادیکال‌های آزاد، می‌توانند به سلول‌ها آسیب بزنند. رادیکال‌های بدن مولکول‌های ناپایداری هستند که در اثر فعالیت‌های طبیعی بدن یا عواملی مانند آلودگی هوا، دود سیگار و برخی داروها تولید می‌شوند. اگر این مولکول‌ها کنترل نشوند، ممکن است باعث بروز بیماری‌های مزمن مثل سرطان، بیماری‌های قلبی و اختلالات عصبی شوند. بدن انسان برای مقابله با اثرات مخرب این مولکول‌ها از آنتی‌اکسیدان‌ها استفاده می‌کند؛ ترکیباتی که یا درون بدن تولید می‌شوند یا از طریق مواد غذایی و داروها وارد بدن می‌گردند.

با افزایش نگرانی‌ها درباره اثرات مخرب رادیکال‌های آزاد و شیوع روزافزون بیماری‌هایی مانند سرطان، دانشمندان به دنبال منابع طبیعی تازه برای یافتن ترکیبات محافظتی هستند. منابع دریایی، به‌ویژه جلبک‌ها، به دلیل شرایط خاص زیستی‌شان و توانایی تولید ترکیبات زیست‌فعال، توجه زیادی را به خود جلب کرده‌اند. جلبک‌ها نه تنها برای تغذیه و تولید مواد صنعتی اهمیت دارند، بلکه از دیرباز در طب سنتی کشورهای مختلف نیز به عنوان دارو استفاده می‌شده‌اند. زیست در شرایط پر تنش دریایی باعث شده تا این موجودات دریایی برای بقا، ترکیباتی بسازند که از آن‌ها در برابر عوامل آسیب‌رسان محیطی محافظت می‌کنند. این ترکیبات، اغلب خواص ضدسرطانی، ضدالتهابی و آنتی‌اکسیدانی دارند.

مریم نکویی از گروه بیوشیمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به همراه پنج تن از پژوهشگران این دانشگاه، پژوهشی را درباره ویژگی‌های مفید برخی از گونه‌های جلبک خلیج فارس انجام داده‌اند. در این تحقیق، که به اثرات بالقوه آنتی‌اکسیدانی و ضدتوموری این جلبک‌ها پرداخته، تلاش شده است تا مشخص شود کدام‌گونه‌ها پتانسیل درمانی بیشتری دارند.

پژوهشگران برای انجام این مطالعه، مجموعه‌ای از تحقیقات علمی منتشرشده تا سال ۲۰۲۴ را مرور کرده‌اند. آن‌ها مقالات موجود در پایگاه‌های معتبری مانند PubMed و Scopus را بررسی کرده‌اند و با تحلیل دقیق اطلاعات موجود، گونه‌های مختلف جلبک، نوع ترکیبات استخراج‌شده از آن‌ها، روش‌های آزمایش و میزان اثرگذاری این ترکیبات را بررسی کرده‌اند. در این مرور علمی، تمرکز اصلی بر بررسی نقش ترکیبات موجود در جلبک‌ها برای خشی‌سازی رادیکال‌های آزاد و مهار سلول‌های سرطانی بوده است.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که در میان جلبک‌های مورد مطالعه، جلبک‌های قهوه‌ای بیشترین سهم را در تحقیقات داشته‌اند و برخی از گونه‌های آن‌ها دارای قوی‌ترین فعالیت‌های آنتی‌اکسیدانی بوده‌اند. همچنین مشخص شد که عصاره‌های استخراج‌شده با استفاده از حلال‌های آلی مانند متانول و اتانول، تأثیر بیشتری در مهار رشد سلول‌های توموری نسبت به حلال‌های آبی داشته‌اند. پژوهشگران همچنین دریافتند که ترکیبات استخراج‌شده از برخی گونه‌های جلبک خلیج فارس نه تنها از نظر خواص آنتی‌اکسیدانی برجسته‌اند، بلکه توانایی بالایی در مقابله با رشد سلول‌های سرطانی دارند. گونه‌هایی مانند سارگاسوم و پادینا آسترالیس، عملکرد ویژه‌ای در این زمینه نشان دادند. این یافته‌ها امیدهای تازه‌ای برای استفاده از منابع طبیعی در توسعه داروهای ضدسرطان ایجاد کرده‌اند.

بر پایه این تحقیق، جلبک‌های خلیج فارس به دلیل سازگاری بالا با محیط‌های متغیر، دارای ترکیبات زیست‌فعال هستند که می‌توانند در آینده به عنوان مواد اولیه داروهای ضدسرطان یا مکمل‌های غذایی محافظت‌کننده از سلول‌ها مورد استفاده قرار گیرند. البته پژوهشگران تأکید دارند که برای شناخت دقیق‌تر ماهیت این ترکیبات، تفکیک و بررسی اجزای مختلف عصاره‌های جلبک و نیز انجام آزمایش‌های بیشتر بر روی بدن انسان ضروری است.

این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که انتخاب نوع حلال برای استخراج مواد مؤثره، نقش مهمی در کارآمدی ترکیبات دارد. نتایج مختلف به‌دست‌آمده در بررسی‌ها، به دلیل تنوع گونه‌ها، شرایط زیستنی، و ابزارهای آزمایشگاهی متفاوت بوده‌اند. با این حال، الگوهایی مشخص از اثربخشی جلبک‌های قهوه‌ای به‌خصوص در خلیج فارس به دست آمده که می‌تواند مسیر تازه‌ای در تولید داروهای طبیعی باز کند.



سرتیله گروه راهبردی – مرتضی فاخری – در سال‌های اخیر، واژه‌هایی چون «خودتحریمی» و «خودتجقیری» وارد گفتمان عمومی ایرانیان شده‌اند؛ مفاهیمی که بیش از آنکه ترجمه مستقیم از ادبیات سیاسی یا اقتصادی باشند، بازتابی از تجربه زیسته جمعی‌اند. این اصطلاحات نه تنها در مباحث رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی به کار می‌روند، بلکه در رفتارهای روزمره، انتخاب‌های اقتصادی و حتی در نوع نگاه به هویت ملی و توانمندی‌های داخلی نیز ردپای‌شان دیده می‌شود. گویی بخشی از جامعه، آگاهانه یا ناخোسته، به حذف یا انکار ظرفیت‌های خودی تن داده‌اند، بی‌آنکه تحریم رسمی‌ای در کار باشد.

به گزارش روزنامه اقتصاد سراسرآمد، مرتضی فاخری، محقق و پژوهشگر در مطلبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی تبعات و آسیب‌های خودتحریمی و خودتجقیری در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در فضای عمومی ایران پرداخته است. او در این مطلب نگاهی به ریشه‌های این مسائل و خرده‌فرهنگ‌های پنهان در حوزه مختلف انداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

پدیده‌ای که در ظاهر کوچک می‌نماید (مانند ترجیح کالای خارجی یا بی‌اعتمادی به نهادهای بومی) اما در بستر وسیع‌تری معنا می‌یابد: شکافی تاریخی میان «ما» و تصویری که از خود داریم. نوشته پیش رو تلاش دارد تا از دریچه‌ای متفاوت به ریشه‌های این نگاه بازتابی بنگرد؛ در نگاهی که نه تنها اقتصاد، بلکه بافت اجتماعی، نظام آموزشی و گفتمان سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده است. با بررسی نمونه‌های داخلی و مقایسه آن‌ها با تجربه جوامع دیگر، می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا بازتعریف اعتمادبه‌نفس جمعی در ایران ممکن است؟

خرده‌فرهنگی پنهان یا واقعیتی فراگیر؟

در فضای اجتماعی و رسانه‌ای ایران، دو واژه «خودتحریمی» و «خودتجقیری» روزبه‌روز پررنگ‌تر شده‌اند. این اصطلاحات، اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد از ادبیات سیاسی یا روان‌شناسی اجتماعی آمده باشند، در واقع بازتابی از رفتارهای عمومی‌اند که به نوعی انکار یا بی‌اعتمادی در توان داخلی را نمایندگی می‌کنند. این پدیده نه صرفاً در گفتار، بلکه در تصمیم‌گیری‌های روزمره شهروندان نیز قابل مشاهده است؛ از انتخاب‌های مصرفی گرفته تا قضاوت‌های ارزشی نسبت به تولید، آموزش، و نوآوری ملی.

مفهوم «خودتحریمی» در این زمینه معمولاً به اقداماتی اطلاق می‌شود که فرد یا گروهی بدون اجبار خارجی، تصمیم به محدودسازی خود می‌گیرند. مثلاً ترجیح کالاهای وارداتی به تولید داخلی، یا عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود به دلیل بی‌اعتمادی. در مقابل، «خودتجقیری» به حالتی اشاره دارد که فرد یا جامعه، هویت و دستاوردهای خود را کمتر از آنچه هست می‌بیند یا آن‌ها را در برابر نمونه‌های خارجی بی‌ارزش می‌پندارد. این دو اصطلاح اگرچه از نظر مفهومی متفاوت‌اند، در عمل غالباً هم‌زمان رخ می‌دهند و به یکدیگر معنا می‌بخشند.

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در عادی‌سازی یا برجسته‌سازی این نگاه ایفا کرده‌اند. در تحلیل هشتک‌ها، نظرات کاربران و پوشش خبری برخی رسانه‌ها، نوعی گفتمان تکراری دیده می‌شود که بر ضعف داخلی، ناکارآمدی ساختارها و ناتوانی در رقابت تأکید دارد. در چنین فضای،

می‌شوند. چنین روایت‌هایی نه تنها به بی‌اعتمادی به توان ملی دامن می‌زند، بلکه نوعی آسیب روانی جمعی در باور به ظرفیت‌های بومی ایجاد می‌کند. این واقعیت، ریشه در ترکیبی از خاطرات تاریخی، سیاست‌های رسانه‌ای و الگوهای آموزشی دارد که به جای تقویت خودباوری، رقابت‌ناپذیری و احساس عقب‌ماندگی را بازتولید کرده‌اند. بازنگری در این نگاه، نیازمند تغییر روایت‌های غالب از جمله پرداختن به تجربه‌های موفق، آموزش تاریخ توسعه‌ی بومی و برجسته‌سازی نقش‌نخبگان و متخصصان ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی است. تنها از مسیر اصلاح این بازتاب ذهنی، می‌توان مسیری تازه برای احیای اعتمادبه‌نفس ملی گشود.

وارثان ناکامی یا قربانیان روایت‌های تحمیلی؟

یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری ذهنیت منفی نسبت به توانمندی‌های داخلی، گفتمان رسمی و رسانه‌ای کشور در دهه‌های اخیر بوده است؛ گفتمانی که گاه به جای برجسته‌سازی دستاوردهای ملی، برجران‌ها، ناکارآمدی‌ها و تهدیدهای خارجی تأکید کرده است. پوشش مکرر ناکامی‌ها، تمرکز بر مشکلات و غفلت از روایت‌های موفقیت‌آمیز داخلی، باعث شده اعتماد عمومی به ظرفیت‌های بومی تضعیف شود و حس «ناتوانی نهادینه» در ذهن مخاطب شکل گیرد. رسانه‌ها، به‌ویژه در مواجهه با موضوعات علمی و اقتصادی، بیش از آنکه امیدآفرین باشند، در بازتولید نگاه منفی نقش داشته‌اند.

تجربه‌های شکست‌خورده تاریخی از پروژه‌های نیمه‌تمام صنعتی گرفته تا حرکت‌های اصلاحی نافرجام، نقشی پررنگ در شکل‌گیری بی‌اعتمادی عمومی داشته‌اند. بخشی از جامعه، این شکست‌ها را نه حاصل سیاست‌گذاری خاص، بلکه به صورت کلی به «ناتوانی ساختاری ایران» نسبت داده‌اند. نتیجه آن، شکل‌گیری حافظه‌ای جمعی است که در آن گذشته نه تنها الهام‌بخش نیست، بلکه یادآور ناکامی، تضاد و عقب‌ماندگی است. چنین حافظه‌ای، بدون پالایش و بازخوانی انتقادی، در نسل‌های جدید نیز بازتولید می‌شود و بر ذهنیت آنان تأثیر می‌گذارد.

نظام آموزشی نیز در این چرخه تأثیرگذار بوده است؛ سیستمی که به جای پرورش اعتمادبه‌نفس، اغلب بر رقابت بی‌ثمر، تقلید و تکرار تأکید داشته و فرصت تجربه‌های عملی موفق را از دانش‌آموزان و دانشجویان دریغ کرده است. در کنار این، تحریم‌های خارجی با اثرات اقتصادی و روانی گسترده، نوعی احساس «محمک به شکست بودن» را شکل داده‌اند که در موارد زیادی درونی شده است. جامعه‌ای که پیوسته با تحریم و فشار مواجه است، گاه ناخوaste روایت این تحقیر را به عنوان «واقعیت ذاتی» می‌پذیرد و آن را با رفتارهای خود از جمله ترجیح راه‌حل‌های خارجی، بی‌اعتمادی به مسیرهای داخلی و انفعال جمعی، تحکیم می‌کند.

آیا راهی برای بازتعریف خود وجود دارد؟

در دهه‌های گذشته، کشورهای مختلف با وضعیت مشابهی از «خودتجقیر جمعی» روبه‌رو بوده‌اند و مسیر دشواری را برای بازتعریف هویت ملی خود پیموده‌اند. کره جنوبی نمونه‌ای شاخص است؛ کشوری که در دهه ۱۹۵۰ از فقیرترین‌ها بود، اما با سرمایه‌گذاری در آموزش، ترویج فرهنگ تولید ملی و حمایت گسترده از برندهای داخلی توانست نه تنها

«سراسرآمد» بررسی کرد؛

تبعات خودتحریمی و خودتجقیری

واکاوی ریشه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

«خودتحریمی» و «خودتجقیری» در فضای عمومی ایران

اقتصاد خود را متحول کند، بلکه غرور ملی را به سطحی تازه برساند. همین رویکرد را به نوعی در ترکیه نیز می‌توان دید؛ جایی که با نوسازی فرهنگی و بازگشت به عناصر تمدنی، تلاش شد تصویر داخلی از توان ملی با جهان‌بینی جدیدی بازسازی شود.

کشورهای اروپای شرقی پس از فروپاشی نظام کمونیستی، با بحرانی جدی در اعتمادبه‌نفس جمعی مواجه بودند، اما با تمرکز بر تقویت جامعه مدنی، گسترش گفت‌وگوی عمومی و حمایت از روایت‌های امیدبخش، توانستند نگاه تضعیف‌شده به خود را به مرور بازسازی کنند. در همه این موارد، نقش نهادهای فرهنگی و آموزشی، رسانه‌ها ملی، تعیین‌کننده بوده است. تغییر تصویر ملی نه با تبلیغات زودگذر، بلکه با تلاش پایدار برای دیده‌شدن، شنیده‌شدن و مشارکت مردم حاصل شده است.

برای ایران نیز مسیر مشابهی متصور است. از بازنگری در روایت‌های آموزشی گرفته تا حمایت از تولید داخلی، از تقویت رسانه‌های مستقل گرفته تا به رسمیت شناختن دستاوردهای نخبگان، مجموعه‌ای از اقدامات ساختاری و فرهنگی می‌توانند به ترمیم این شکاف کمک کند. اعتمادبه‌نفس اجتماعی نه یک شعار، بلکه نتیجه تجربه‌های جمعی موفق، گفت‌وگوی آزاد و احساس مشارکت واقعی در سرنوشت ملی است. بازتعریف «خود» زمانی ممکن می‌شود که جامعه خود را نه در آینه تحقیر، بلکه در آینه ظرفیت و امکان ببیند.

جمع‌بندی پایانی: دعوت به گفت‌وگوی صادقانه

در شرایطی که تصویر ذهنی جامعه از خود دچار خدشه شده است، بازنگری در این نگاه نیازمند گفت‌وگوی صادقانه، آزاد و همه‌جانبه است. این بازنگری نه صرفاً در سطح فردی، بلکه به سطح نهادی نیز باید رخ دهد؛ جایی که اقرا، نهادها و تصمیم‌گیران مسئولیت شکل دادن به روایت‌های عمومی را برعهده دارند. تقویت ظرفیت انتقاد سازنده و پذیرش واقعیت‌ها، سنگ‌بنای این فرایند ترمیمی است؛ چراکه فقط در سایه صداقت و مشارکت عمومی می‌توان به بازتعریف

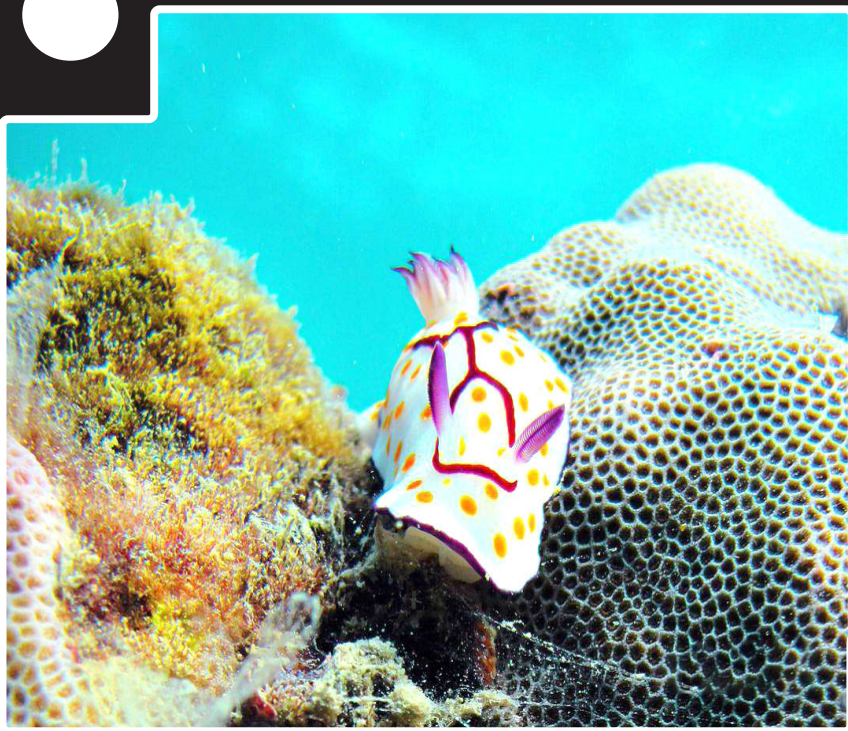
هویت جمعی امید داشت.

رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی نقش بی‌بدیلی در بازاندیشی روایت‌ها و سیاست‌گذاری‌های هویتی دارند. به جای بازتولید کلیشه‌ها و تقویت نگاه تقلیل‌گرایانه، این نهادها می‌توانند میدان را برای دیده‌شدن روایت‌های جایگزین، تجربیات موفق و الگوهای امیدآفرین باز کنند. دانشگاه‌ها می‌توانند با پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، فضای نقد و بازخوانی تاریخی را گسترش دهند؛ رسانه‌ها نیز با تمرکز بر روایت‌های اجتماعی برخاسته از کف جامعه، پل ارتباطی میان شهروندان و سیاست‌گذاران باشند.

در مجموع، بازتعریف نگاه به خود، یک پروژه فرهنگی بلندمدت است؛ پروژه‌ای که از دل آن اعتمادبه‌نفس اجتماعی، وحدت ملی و امید به آینده جوانه می‌زند. این مسیر با اراده‌ای جمعی و راهبری‌ای علمی آغاز می‌شود. دعوت به گفت‌وگوی صادقانه، نقطه شروعی است برای عبور از خودتجقیری به خودشناسی؛ از انفعال به مشارکت، این گفت‌وگو باید صورت، گشوده و همراه با پذیرش تفاوت‌ها باشد تا زمینه‌ای برای بازسازی ذهنیت اجتماعی فراهم آید.

بدون شرح

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی - اقتصاد سراسرآمد